

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پس از بررسی مستندات کنگره، با توجه به جایگاه علمی برگزارکنندگان و کارگروه مربوط به آن، سطح علمی و پژوهشی چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی را تایید کرد. این موضوع طی نامه‌ای به شماره ۱۳۹۵۶۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۰۳ به اطلاع شورای سیاست‌گذاری کنگره رسیده است.



**مجموعه مقالات
چهارمین کنگره بین المللی
علوم انسانی اسلامی**

کمیسیون تخصصی فقه و حقوق اسلامی

اسامی هیئت داوران

کمیسیون «فقه و حقوق اسلامی» رئیس کمیسیون: دکتر محمود حکمت نیا

اسامی داوران به ترتیب حروف الفبا:

- احمد احسانی فر: دکترای حقوق از پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- سجاد ایزدهی: دانشیار گروه سیاست پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- مصطفی بختیاروند: دانشیار گروه حقوق مالکیت فکری دانشگاه قم
- غلامرضا پیوندی: استادیار گروه فقه و حقوق پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- محمد جواد جاوید: استاد گروه حقوق عمومی دانشگاه تهران
- محمود حکمت نیا: استاد گروه فقه و حقوق پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- عبدالله رجبی: استادیار حقوق خصوصی دانشگاه تهران، پردیس فارابی
- اکبر رهنما: دانشیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد
- محمد شجاعیان: استادیار گروه علوم سیاسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- اکبر طلاهی طرقي: استادیار مرکز مطالعات عالی انقلاب اسلامی دانشگاه تهران
- سید محمد مهدی غمامی: عضو هیئت علمی گروه حقوق عمومی دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
- مصطفی کاظمی نجف آبادی: استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- سید محمد حسین کاظمینی: دانش آموخته دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
- علی محمدی: استادیار گروه فقه و حقوق پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- محمد مهدی مقمادی: عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه مفید
- مصطفی نصرآبادی: پژوهشگر فقه و حقوق
- فرج‌الله هدایت نیا: دانشیار گروه فقه و حقوق پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- محمد یزدیان محمدی: کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

سرشناسه	: کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی (چهارمین : ۱۳۹۶ : تهران)
عنوان و نام پدیدآور	: International Conference on Islamic Humanities (4th : 2017 : Tehran)
مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی نویسندگان جمعی از نویسندگان مقاله در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی : حامیان برگزاری کنگره مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا ... [و دیگران]. :	
ویراستار مرتضی طباطبایی	
مشخصات نشر	: تهران: آفتاب توسعه، ۱۳۹۸ -
مشخصات ظاهری	: ج ۱۰ :
شابک	: ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۶۸۹ : دوره : ج ۱۰ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۰۲۱ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۱۹ : ج ۲ :
	: ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۲۶ : ج ۳ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۳۳ : ج ۴ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۴۰ : ج ۵ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۵۷ : ج ۶ :
	: ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۶۴ : ج ۷ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۷۱ : ج ۸ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۸۸ : ج ۹ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۹۵ : ج ۱۰ :
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه .
مندرجات	: ج ۱ : کمیسیون تخصصی تعلیم و تربیت اسلامی - - ج ۲ : کمیسیون تخصصی فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی - - ج ۳ : کمیسیون تخصصی مدیریت اسلامی - - ج ۴ : کمیسیون تخصصی علوم سیاسی اسلامی - - ج ۵ : کمیسیون تخصصی اقتصاد اسلامی - - ج ۶ : مقالات کمیسیون تخصصی تمدن نوین اسلامی - - ج ۷ : مقالات کمیسیون تخصصی روان‌شناسی اسلامی - - ج ۸ : مقالات کمیسیون تخصصی هنر و معماری اسلامی اسلامی - - ج ۹ : مقالات کمیسیون تخصصی فقه و حقوق اسلامی - - ج ۱۰ : مقالات کمیسیون تخصصی ارتباطات و جامعه‌شناسی اسلامی -
موضوع	: علوم انسانی (اسلام) - - کنگره‌ها
موضوع	: Humanities (Islam) -- Congresses :
موضوع	: علوم انسانی -- کنگره‌ها
موضوع	: Humanities -- Congresses :
شناسه افزوده	: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا
رده بندی کنگره	: BP۲۳۲ :
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۸۵ :
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۴۰۳۹۸ :

مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

جلد نهم | کمیسیون تخصصی فقه و حقوق اسلامی

ناشر: انتشارات آفتاب توسعه (ناشر آثار مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا)

نویسندگان: جمعی از نویسندگان مقاله در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

ویراستار: مرتضی طباطبایی

طراحی جلد: سید ایمان نوری نجفی

صفحه آرایی: یوسف بهرخ

نوبت و سال انتشار: نخست، بهار ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ دوره

شابک دوره: ۹-۶۸-۷۸۶۷-۷۸۶۴-۹۷۸

شابک: ۸-۷۸-۷۸۶۷-۷۸۶۴-۹۷۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی ناشر: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان کشوردوست، کوچه نوشیروان،

پلاک ۲۶، طبقه چهارم، مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا

کد پستی: ۱۳۱۶۷۳۴۴۵۸

تلفکس: ۰۹۰۵۶۶۶۴۰

www.sccsr.ac.ir

پایگاه اینترنتی:

info@sccsr.ac.ir

رایانامه:

فهرست مطالب

کمیسیون تخصصی فقه و حقوق اسلامی

- | | |
|-----|--|
| ۹ | ممنوعیت فقهی استفاده از سلاح هسته‌ای در شرایط اضطرار جنگی
احمد احسانی فر |
| ۳۵ | نقض حیثیت معنوی در قلمرو شهادت شهود و جرح شاهد
حسین جاور، حسین هوشمند فیروزآبادی |
| ۵۵ | گفتار در روش‌شناسی مطالعات حقوقی در حقوق ایران
عبدالله رجبی |
| ۸۱ | بررسی مقایسه‌ای مبانی حقوق بشر اسلامی با اعلامیه جهانی حقوق بشر
محمد طادی، دکتر رضا جلالی |
| ۱۰۳ | طراحی نظام جامع حمایت خانواده
فرج‌الله هدایت‌نیا |
| ۱۲۷ | بررسی نتایج کم‌رنگ شدن نقش مادری در قوانین داخلی و بین‌المللی با عنایت به حقوق مادران در آیات قرآن
محمود شفیعی |
| ۱۴۹ | محدودیت زمینه استفاده در قراردادهای مجوز بهره‌برداری حق اختراع در حقوق اتحادیه اروپایی، امریکایی، ایران و فقه امامی
سیدمحمد هادی قبولی درافشان، مصطفی بختیاروند، حجت کرمی |

- ۱۶۵ الگوی احیای حقوق عامه با تحول در نظام هنجارها و ساختارهای قضایی جمهوری اسلامی ایران
سیدمحمد مهدی غمامی
- ۱۸۵ کاربرد روش معناشناسی در علوم انسانی قرآن‌بنیان؛ مطالعه موردی: مفهوم «قسط» در قرآن کریم
محمدحسین اخوان طبسی، روح‌الله داوری
- ۲۱۳ جایگاه حقوق طبیعی در اندیشه حقوق شیعی
ایمان سهرابی
- ۲۳۷ الزامات و راهکارهای ایجاد نهاد ملی حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران (در پرتو قانون اساسی، حقوق بشر اسلامی، اعلامیه پاریس و رویه کشورها)
اکبر طلاپکی طرفی، محمدصالح عطار
- ۲۶۵ تطبیق آرای جان فینیس و مرتضی مطهری در زمینه حقوق طبیعی
ایمان سهرابی
- ۲۸۹ ماهیت سیاست‌های شرعی و اصول استنباط آنها از ادله شرعی
ابوالحسن حسینی
- ۳۰۷ مسئولیت حقوقی دولت و رویکرد دین در پزشکی بازساختی
محمدجواد جاوید
- ۳۲۳ اصول حقوق بشردوستانه در اسلام با نگاهی به حقوق بین‌الملل
عبدالحکیم سلیمی
- ۳۴۷ استقلال ضمانت‌نامه‌های بانکی در حقوق تجارت بین‌الملل، حقوق ایران و فقه امامیه (عبور از تبعیت به سوی استقلال)
سیدمحمد هادی قبولی درافشان، مصطفی بختیاروند
- ۳۶۳ حق بافروش کالا در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰) و امکان‌سنجی آن در فقه امامیه
علی‌اکبر جعفری ندوشن
- ۳۸۷ ادله اثبات نسب و اثبات آن به وسیله آزمایش ژنتیک
حوا عرب‌انصاری

بررسی مقایسه‌ای مبانی حقوق بشر اسلامی با اعلامیه جهانی حقوق بشر

محمد طادی

کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران

darvish.iran@gmail.com

رضا جلالی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز دانشکده علوم سیاسی، تهران

dr_rezajalali@yahoo.com

چکیده

بسیاری از تنازعات بین‌المللی، در نوع و زاویه نگاه به مسئله حقوقی بشر ریشه دارد. در این مقاله تلاش شده با بررسی تطبیقی مبانی حقوق بشر اسلامی با اعلامیه جهانی حقوق و با توجه به تعاریف صحیح و بومی از مبحث حقوق بشر و تطبیق آن با اعلامیه جهانی حقوق بشر، نقاط اشتراک و اختلاف این دو مشخص گردد و سپس با بررسی این نکات، راه‌حلی به دست آید که علاوه بر بهبود شرایط حقوق بشری در داخل، اختلافات با سازمان‌های حقوق بشری از جمله کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به کمترین حد برسد و فعالیت سازنده‌ای انجام شود. گفتنی است که علاوه بر سازمان‌های حقوق بشری نظر افکار عمومی و رسانه‌ها نیز در روند تحول شرایط سیاسی کشوری همچون ایران دخیل است و به همین دلیل، راهکارهایی نیز برای بهبود نظر افکار عمومی درباره وضعیت حقوق بشر در ایران ارائه می‌شود.

کلیدواژگان: حقوق بشر، حقوق بشر اسلامی، اعلامیه جهانی حقوق بشر، قوه قضاییه.

مقدمه

اعلامیه جهانی حقوق بشر در دهم دسامبر ۱۹۴۸ نوشته شد؛ متنی شامل یک مقدمه و سی بند. این متن تأثیرگذارترین میثاق بشری است که در طول تاریخ به اجماع رسیده و شرایط آینده بسیاری از کشورها و ملت‌ها را تغییر داده است. تاکنون جنگ‌های بسیاری بر سر مسئله حقوق بشر درگرفته است؛ برخی برای دفاع از حقوق بشر و بسیاری به بهانه دفاع از حقوق بشر. حقوق بشر همان قدر که خوب است، به همان اندازه می‌تواند مخرب باشد و این بستگی به برداشت‌ها دارد. نظریات مختلف روابط بین‌الملل برداشت‌های گوناگونی از مقوله حقوق بشر دارند. بسیاری از تنازعات در نوع و زاویه نگاه به مسئله حقوقی بشر ریشه دارند.

در ایران نیز همچون دیگر کشورهای جهان، هم پیش و هم پس از انقلاب اسلامی، حقوق بشر، مسئله بوده است؛ اما شرایط حقوق بشر پس از انقلاب به طور اخص مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفته و نظر دولتمردان ایران نیز به‌ناچار به این مسئله معطوف گشته است. قطعنامه‌های حقوق بشری سازمان ملل درباره وضعیت حقوق بشر در ایران، مسئولان جمهوری اسلامی ایران را نه تنها خوشحال نکرده است، بلکه همیشه با گاردی بسته با این موضوع روبه‌رو شده‌اند.

از گذشته تاکنون حقوق‌دانان بر این مسئله اتفاق نظر داشته‌اند که همواره بشر صرف نظر از دین و مذهب، نژاد و تفکرش، از حقوق و تکالیفی برخوردار است که دسته‌بندی این اصول به ایجاد شاخه‌ای از حقوق به عنوان حقوق بشر انجامیده است. در عصر حاضر، ویژگی‌های اصلی دولت ملی در حال زوال است؛ به گونه‌ای که حکومت‌های ملی دیگر نمی‌توانند همچون گذشته با وجود جامعه مدنی جهانی از خودمختاری لازم برخوردار باشند. استیلای کامل دولت‌ها بر شیوه زیست مردم خود و جامعه بین‌المللی با توجه به گسترش ارتباطات و اطلاعات در سطح جهان، دیگر ممکن نیست (غفوری و داوند، ۱۳۹۵، ص ۳۶۴).

مهم‌ترین مسئله‌ای که تعهدات حقوق بشری را از دیگر تعهدات بین‌المللی متمایز می‌سازد، وصف عدم تقابل در تعهدات حقوق بشری و وصف تقابل در دیگر تعهدات است. به عبارت دیگر، برخلاف تعهدات متعارف که نمایانگر مبادله منافع بین دولت‌هاست، تعهدات حقوق بشری، تعهداتی مطلق و غیرمشروط‌اند و دادوستد و مبادله‌ای ندارند (قربان‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۲۳).

در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر، رعایت حیثیت ذاتی همه افراد بشر و حقوق یک‌سان و انتقال‌ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح جهانی انگاشته شده و آمال بشری در دنیایی جست‌وجو می‌شود که در آن افراد بشر در بیان عقیده آزاد و از بیم و فقر فارغ باشند. اعلامیه حقوق

بشر نمودار این مسئله است که آگاهی و هشیاری انسان‌ها بدانجا رسیده که مبارزاتش نتیجه هزاران سال فداکاری و محرومیت را در آینده نزدیک نوید می‌دهد. با این همه نباید تصور کرد که وضع مطلوب بشریت با سهولت و بدون آگاهی و از خودگذشتگی و اجرای حقوق بشر، جامه عمل خواهد پوشید (غفوری و داوند، ۱۳۹۵، ص ۳۶۴).

نخستین مقررات و ضوابط بین‌المللی در دفاع از حقوق بشر، برای دفاع از خارجیان در برابر آزار مقامات محلی پایه‌گذاری شد. بسیاری از دادگاه‌های ویژه بین‌المللی و کمیسیون‌های رسیدگی به دادخواست‌ها در طول قرن نوزدهم، مقرراتی حداقلی برای رفتار با خارجیان در همه کشورها وضع کردند. اگر شهروند دولتی به سبب نقض یکی از این مقررات توسط دولت یا مأمور رسمی کشور دیگر آسیب می‌دید، کشور آسیب‌رسان می‌بایست غرامت آن را به کشور دیگر می‌پرداخت. قانون بین‌المللی معمولاً با روابط میان یک دولت و شهروندانش کاری ندارد، اما اگر رفتار دولتی با مردمش اصول انسانیت یا عدالت را نقض کند و وجدان بشریت را تکان دهد، قاعده عدم دخالت از اعتبار می‌افتد. در طول قرن نوزدهم، تجارت برده‌های افریقایی به طور کلی محکوم شد و در پی کشتار اقلیت‌ها، کشورهای غربی اقداماتی را برای پیشگیری از این فجایع انجام دادند؛ اماستمگری بیرحمانه رژیم نازی و قتل عام اقلیت‌ها و ساکنان سرزمین‌های اشغال‌شده به دست نازی‌ها، لزوم حمایت بین‌المللی از حقوق بشر را همه‌گیرتر کرد (آشوری، ۱۳۹۱، ص ۱۳۱).

در کنفرانس سان‌فرانسیسکو (۱۹۴۵) که برای تهیه منشور ملل متحد تشکیل شد، بسیاری از هیئت‌های نمایندگی پافشاری کردند که درباره حقوق بشر در منشور ملل متحد پیش‌بینی‌هایی بشود و برخی پیشنهاد کردند که اعلامیه‌ای تفصیلی درباره حقوق بشر به منشور الحاق گردد. در این منشور چند جا به حقوق بشر اشاره شد (آشوری، ۱۳۹۱، ص ۱۳۲).

علی‌رغم اعلامیه‌های مطرح شده در منشور ملل متحد درباره حقوق بشر، امروزه در ایران، از سویی غرض‌ورزی و نظرات به‌شدت آمیخته با سیاست و نفوذ کشورهای دیگر در گزارش‌ها و قطعنامه‌های حقوق بشری، و از سوی دیگر عدم به دست گرفتن ابتکار عمل و رسیدگی صحیح به مسئله حقوق بشر از سوی سازمان‌های مربوطه همچون قوه قضائیه دیده می‌شود. جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که همواره در معرض اتهام نقض گسترده حقوق بشر قرار داشته و شاهد قطعنامه‌های متعدد از سوی نهادهای بین‌المللی ناظر بر مسائل حقوق بشر مبنی به نقض حقوق بشر بوده است (موسوی‌فر، ۱۳۸۹، ص ۴۸). از آنجاکه حقوق بشر تأثیری منحصر به فرد بر افکار عمومی مردم جهان دارد و اتهام نقض حقوق بشر، بهتر از هر عاملی می‌تواند برانگیزاننده

ضدیت افکار عمومی جهان باشد، ایالات متحده آمریکا، همواره جمهوری اسلامی ایران را به دلیل اتخاذ سیاست‌های متعارض با منافع خاورمیانه‌ای خود، به عنوان ناقص حقوق بشر معرفی می‌کند. آمریکا همواره از بنیان اصلی قطعنامه پیشنهادی سازمان‌های بین‌المللی مبنی بر نقض حقوق بشر از سوی جمهوری اسلامی ایران بوده است و گزارش‌های سالانه ورزات امور خارجه امریکا نیز مکرراً ایران را به نقض فاحش حقوق بشر متهم کرده‌اند و تغییر رویه و سیاست ایران در قبال حقوق بشر را از جمله پیش‌شرط‌های خود برای برقراری روابط دیپلماتیک و حسنه با جمهوری اسلامی ایران قرار داده‌اند (همان).

نویسنده کتاب راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر مدعی است که جمهوری اسلامی ایران در ابتدا رویکردی منفی نسبت به حقوق بشر غربی و کنفوانسیون قراردادی آن داشته است. در این دوره رویکردی که بر سیاست حقوق بشری ایران مسلط بود، حقوق بشر را تنها در مبانی و کلام اسلام جست‌وجو می‌کرد و برای حقوق بشر مطرح‌شده در منشور بین‌المللی حقوق بشر و بقیه کنوانسیون‌های قراردادی حقوق بشر و قواعد عرفی بین‌المللی حقوق بشر، اعتباری قائل نبود و آنها را حقوق بشر جدا مانده از خدا و برخاسته از هوا و هوس بشری و حتی الحادی، ابزار و سیاسی می‌دانست. با چنین رویکردی، سران جمهوری اسلامی، به تعارض برخی موازین اسلامی با تعهدات بین‌المللی ایران اعتنا نمی‌کردند و به محکومیت ایران در مجامع بین‌المللی حقوق بشر وقعی نمی‌گذاشتند (شریفیان، ۱۳۸۰، ص ۳۴۷). در دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی، روند رویکرد مثبت جمهوری اسلامی ایران به مسائل حقوق بشر سرعت گرفت. ایده گفت‌وگوی تمدن‌ها و تفسیرهای نوین از شریعت و خاتمیت، به رویکردی انجامید که خردورزی و عقل جمعی را محور قرار داد و در پی انطباق مبانی و مفاهیم حقوق بشر غربی با مفاهیم شریعت از طریق بازاندیشی از یک سو و نگاهی جدید در تفاسیر مفاهیم شریعت از سوی دیگر برآمد و با برگزاری کارگاه حقوق بشر تهران، به سوی پذیرش جهان‌شمولی و تجزیه‌ناپذیری و ارتباط متقابل انواع فرهنگ‌ها و مضامین حقوق بشر و احترام به تفاوت‌ها پیش رفت (امین، ۱۳۸۱، ص ۱۸۲-۱۸۴).

البته این امر به معنای عدول مقامات ایرانی از ایده برخورد ابزاری غرب و به‌ویژه امریکا با مسئله حقوق بشر نیست و آنان همواره نگرانی خود را از سیاسی کردن مفاهیم حقوق بشر و استفاده ابزاری از آن بیان کرده‌اند. کمال‌خرازی وزیر امور خارجه دولت خاتمی می‌گوید:

اهمیت اساسی حقوق بشر در جهان امروز ایجاب می‌کند که بر پایه پرهیز از اعمال ملاک‌های دوگانه و تبعیض‌آمیز و با در نظر گرفتن مبانی فرهنگی، اخلاقی، دینی و

نظام‌های حقوقی و قانونی ملت‌ها و کشورها نسبت به گسترش و تعمیق آن اهتمام شود. استفاده ابزاری از موضوع حقوق بشر نمی‌تواند در جهان امروز با خردورزی و عقلانیت جمعی سازگار باشد (ذاکریان، ۱۳۸۱، ص ۶۴-۶۵).

در حال حاضر طبق اسناد سازمان ملل متحد، ۲۵ قرارداد بین‌المللی حقوق بشر وجود دارد که برخی از آنها بدین قرارند: میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی (۱۳۶۶)، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض نژادی (۱۹۶۵)، کنوانسیون منع کشتار جمعی و مجازات آن (۱۹۴۸)، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) و کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹).

ایران از ۲۵ کنوانسیون موجود، دو کنوانسیون لغو بردگی و منع خرید و فروش افراد و فحشا را در زمان رژیم پهلوی امضا کرده ولی به تصویب نرسانده است و ده کنوانسیون دیگر را تصویب کرده است که هفت مورد آن در زمان شاه و سه مورد آن در دوره جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسیده‌اند. از این میان دو کنوانسیون یا حق شرط پذیرفته شده‌اند که یکی کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان (۱۹۵۵) است که رژیم شاه نسبت به آن اعلام شرط کلی کرده است و دیگری کنوانسیون حقوق کودک است که جمهوری اسلامی ایران برای تصویب آن تحفظ قائل شده است (شریفیان، ۱۳۸۰، ص ۳۴۳-۳۴۸).

مشکل آنجاست که بین برخی مقررات نظام بین‌المللی حقوق بشر و قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران تعارض وجود دارد و این عامل اصلی محکومیت ایران در مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر است (همان، ص ۸۲۱-۸۲۲)؛ بدین ترتیب که از سویی دولت و نظام جمهوری اسلامی ایران با رأی ملت تشکیل شده و حکومتی را براساس موازین اسلامی متجلی در قانون اساسی و قوانین عادی پدید آورده است که بر اساس آنها کلیه قوانین باید منطبق با موازین اسلامی باشند و شورای نگهبان تأییدشان کند؛ اما از سوی دیگر دولت ایران بر اساس اصل دوم شخصیت حقوقی دولت‌ها، ملزم به اجرای تعهدات بین‌المللی دولت پیشین از جمله میثاقین است که بدون قید شرط توسط رژیم شاه به تصویب رسیده‌اند؛ درحالی‌که بین برخی مواد قانون اساسی و عادی با برخی مواد منشور بین‌المللی حقوق بشر تضاد وجود دارد (شریفیان، ۱۳۸۰، ص ۳۶۶).

با نگاهی اجمالی به گزارش‌ها، بیانیه‌ها و قطعنامه‌های متعدد که از همان روزهای اول علیه جمهوری اسلامی ایران صادر شده است، درمی‌یابیم که اغلب آنها مشابه یکدیگرند و ادعاهایی یک‌سانی را مبنی بر نقض حقوق بشر در زمینه‌های گوناگون تکرار کرده‌اند. مهم‌ترین این موارد

عبارت‌اند از: نقض دموکراسی، خشونت علیه شهروندان، تبعیض درباره اقلیت‌های مذهبی، آزار و اذیت بهاییان، شکنجه، بازداشت‌های خودسرانه، فقدان آزادی بیان و مطبوعات، مجازات بی‌رویه اعدام و صدور حکم ارتداد (آقایی، ۱۳۸۲، ص ۲۶).

۱. حقوق بشر در ایران دوره پهلوی

زونیس می‌گوید: فعالیت‌های ساواک در آغاز فقط حوزه سیاسی را در بر می‌گرفت، اما در سال‌های آخر دهه ۱۹۷۰ هیچ حوزه‌ای از زندگی ایرانیان از این اختناق مصون نمانده بود (زونیس، ۱۳۷۰، ص ۲۲۲). از خرداد ۱۳۴۲ به بعد، خفقان و سرکوب ایران به اوج رسید و بحث شکنجه‌های ساواک نقل محافل مطبوعاتی غرب شد و شهرت جهانی یافت. نویسنده کتاب ساواک یا دوست شکنجه‌گر غرب از قول نمایندگان سازمان عفو بین‌الملل، شکنجه‌های ساواک را این‌گونه توصیف می‌کند: علاوه بر شوک الکتریکی و کتک، بطری‌های شکسته را به نشیمنگاه زندانیان فرو می‌کردند؛ به بیضه‌های آنان وزنه آویزان می‌کردند و آنها را مورد تجاوز قرار می‌دادند. حتی حیواناتی همچون خرس را برای تجاوز به قربانیان تربیت کرده بودند و برای گرفتن اعتراف از مردان، در مقابل آنها به زنان و دخترانشان تجاوز می‌شد (موسوی‌فر، ۱۳۸۹، ص ۶۲). مسئله ساواک و فضای خفقانی که در کشور وجود داشت، حتی موجب شرمساری عمال و کارگزاران رژیم پهلوی در خارج بود؛ به گونه‌ای که پرویز راجی، سفیر شاه در لندن می‌گوید: «هر جا نام ایران به میان می‌آید، بلافاصله کلماتی مانند شکنجه، ساواک و فساد و خفقان به دنبال آن گفته می‌شود. من از مشاهده این وضع احساس حقارت می‌کنم» (نجاتی، ۱۳۷۱، ص ۲۸۵).

برای نیکسون و دولت‌ش آنچه اهمیت داشت حفظ اتحاد با شاه و ثبات سیاسی ایران بود؛ لذا چشم خود را بر جنایات ساواک در داخل و خارج ایران بسته بودند. این اغماض نسبت به جنایات متحدها آمریکا، به صورت اصلی اساسی در دکترین نیکسون درآمد و مورد تأکید و توصیه نیز قرار می‌گرفت (موسوی‌فر، ۱۳۸۹، ص ۶۴).

با اینکه شیوه‌های برخورد ساواک با مخالفان سیاسی شهرت جهانی یافته بود و در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ مجامع بین‌المللی نظیر کمیته حقوق بشر سازمان ملل، عفو بین‌المللی، کمیته بین‌المللی حقوق دانان، چندین بار رژیم شاه را به استفاده از شکنجه و نقض حقوق بشر متهم کرده بودند، در همین زمان نیکسون و فورد شیوه حکومت شاه را تحسین می‌کردند و سرسختی و صلابت وی را در رهبری کشور و شیوه اداره مملکت می‌ستودند. لذا باید به نظر شاه چنین رسیده باشد که

آنان اعمال ساواک را تصویب می‌کنند (شوکران، ۱۳۷۱، ص ۱-۲۰).

مایکل لدین معتقد است که پس از کودتای ۲۸ مرداد (به استثنای سال‌های ۱۳۳۸-۱۳۳۹) هیچ‌گاه مسئله حقوق بشر در میان دو کشور مطرح نشد؛ به‌ویژه در دوران نیکسون و فورد که معتقد بودند اعمال فشار به شاه برای اصلاحات داخلی، به راهبرد امریکا لطمه می‌زند (لدین و لوئیس، ۱۳۶۳، ص ۴۴). سولیوان در کتاب خاطرات خود با عنوان مأموریت در ایران می‌گوید:

زمانی که علت انتخاب خود را برای سفارت در ایران از ونس (وزیر خارجه امریکا) پرسیدم، وی گفت چون برای این پست در جست‌وجوی دیپلماتی بوده‌اند که در مورد کشورهای با حکومت‌های متمرکز خودکامه کار کند (سولیوان، ۱۳۷۲، ص ۲۴).

امام خمینی علیه السلام در واکنش به سیاست متعارض کارتر گفت:

کارتر می‌گوید حقوق بشر حق مسلم همگان است حق دارد. او منطق دزدان را دنبال می‌کند، می‌گوید ما در ایران پایگاه‌های نظامی داریم، نمی‌توانیم در آنجا از حقوق بشر حرفی بزنیم. رعایت حقوق بشر در کشورهایی که ما پایگاه نظامی در آنها نداریم عملی است (موسوی‌فر، ۱۳۸۹، ص ۶۷).

اینکه آیا حقوق بشر و کلمه حق جزو مسئولیت‌هاست یا جزو داشته‌های انسان، بحثی مهم است. یکی از مهم‌ترین مناقشاتی که در بحث حقوق بشر در ایران وجود دارد، مشخص نبودن حد و مرز حق است. کلمه بشر، تعریف معروف و مشخصی است، در حالی که کلمه حق این‌گونه نیست. حق کلمه‌ای است اسلامی و معادل انگلیسی ندارد؛ یعنی روشن نیست که آیا ترجمه حقوق بشر برای اصطلاح انگلیسی human rights ترجمه صحیحی است یا خیر؟

بسیاری از مواردی که در جوامع مختلف غیراخلاقی و مذموم شمرده می‌شوند، امروزه به صورت حق مطرح می‌گردند؛ مانند همجنس‌گرایی که در همه ادیان مذموم شمرده شده و در جوامع غرب و شرقی نیز عملی غیراخلاقی به شمار می‌آید، اما به صورت یک حق تلقی می‌شود. در این صورت جایگاه اخلاق و دین کجا قرار می‌گیرد؟ با این پیشبرد حق و حقوق، در آینده‌ای نه چندان دور شاهد آن خواهیم بود که به غیر از آسیب رساندن به دیگران، هر کار دیگری در جایگاه حق قرار می‌گیرد.

با این حساب قوانین جامعه در چه مرتبه‌ای قرار خواهند گرفت؟ قوانین اخلاقی در چه رتبه‌ای قرار خواهند داشت؟ شاید آن زمان که جان‌آدمز بحث حقوق بشر را مطرح می‌کرد، به این موضوع توجه نکرده بود که روزی در قرن بیست و یکم، بحث حقوق همجنس‌گرایان مطرح خواهد شد.

بحث حقوق بشر در ایران جزو چالشی ترین بحث‌های سیاسی و اجتماعی است و همان‌طور که گفته شد، می‌توان گفت پس از مسئله هسته‌ای، بحث حقوق بشر دومین مسئله چالش‌انگیز هم در بحث‌های اجتماعی و هم در بحث‌های بین‌المللی برای جمهوری اسلامی ایران است و در آینده‌ای نه‌چندان دور به بحث اول تبدیل خواهد شد. اگر جمهوری اسلامی ایران نتواند راه‌حل مناسبی برای هضم اعلامیه جهانی حقوق بشر و در مجموع بحث حقوق بشر در ایران و نظام سیاسی و اجتماعی خود بیابد، قطعاً با چالش‌های بسیار بیشتری در نظام بین‌الملل روبرو خواهد شد. دولت ایران منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و نیز میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را به ترتیب در سال‌های ۱۳۲۴، ۱۳۲۷ و ۱۳۵۴ رسماً پذیرفته است. بخش‌های بسیار مهمی از این اسناد بین‌المللی در قانون اساسی ایران از جمله فصل سوم قانون اساسی گنجانده شده است؛ اما همان‌طور که مشاهده می‌شود، جمهوری اسلامی ایران همچنان با مسائل جدی حقوق بشری روبرو است. در چند سال اخیر کتب فراوانی درباره حقوق بشر، اسلام و حقوق بشر اسلامی و غیره در ایران منتشر شده است؛ اما نکته‌ای که سبب شد تا موضوع این مقاله حول محور حقوق بشر قرار گیرد، نگاه نوینی بود که پس از مطالعه چند کتاب حقوق بشری بدان ایجاد گردید.

حقوق بشر در ایران، بحثی سیاسی است. بسیاری از قطعنامه‌های تحریمی علیه ایران سیاسی‌اند، نه حقوق بشری. قطعاً در بحث حقوق بشری در ایران قصور بسیاری یافت می‌شود؛ چنان‌که در چند سال گذشته بسیاری از اصلاحات در قوانین انجام شده و وضعیت حقوق بشر در ایران بهبود یافته است. بسیاری از کتب که با موضوع حقوق بشر در ایران به رشته تحریر در آمده‌اند، از دو طرف به مسئله حقوق بشر می‌نگرند. می‌توان نظریه‌پردازان حقوق بشر و حقوق بشر اسلامی را در ایران به دو دسته تقسیم کرد:

دسته اول متفکرانی که معتقدند اعلامیه جهانی حقوق بشر کاملاً با حقوق بشر اسلامی متضاد است؛ مضامین حقوق بشر از دیرباز در متون دینی ایرانیان به‌وفور یافت می‌شود و اصولاً آموزه‌های الهی دینی، ما را از امثال اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های شبیه آن بی‌نیاز می‌کند. این متفکران معتقدند حقوق بشر در اسلام بسیار غنی‌تر و گسترده‌تر از اعلامیه جهانی حقوق بشر است. خداوند سبحان حقوق واقعی آدمیان را به طور کامل در احکام دینی لحاظ کرده، درحالی‌که در اعلامیه یادشده تنها برخی از حقوق انسان‌ها آن هم به طور ناقص و بر مبنای غیرالهی ذکر شده است. این دسته از محققان برای نابرابری‌هایی که در جوامع اسلامی رخ می‌دهد، پاسخی ندارند و

همچنین نمی‌توانند پاسخ‌گوی اختلاف نظر علمای اسلامی در این زمینه باشند؛

دسته دوم کسانی هستند که می‌کوشند با نوشتن کتاب و رساله برای مجامع بین‌المللی، نشان دهند که اعلامیه جهانی حقوق بشر هیچ تعارضی با حقوق بشر اسلامی ندارد و بلکه همان حقوق بشر اسلامی است که غرب تازه بدان رسیده است. آنان برای این منظور، دلایل بسیاری است را از قرآن و حدیث می‌آورند. این دسته از متفکران هیچ پاسخی برای تعارضاتی که به صورت واضح میان اعلامیه جهانی حقوق بشر و حقوق بشر اسلامی وجود دارد، نیافته‌اند.

در این تحقیق با احترام کامل به دو دیدگاه اخیر، دیدگاه سومی بیان می‌شود که مناقشه اصلی میان اعلامیه جهانی حقوق بشر و در حقیقت حقوق بشر غربی با حقوق بشر اسلامی در مبانی و تعاریف است؛ یعنی آنچه را حقوق بشر غربی به عنوان حق می‌پندارد، حقوق بشر اسلامی اساساً به عنوان حق قبول ندارد. به بیانی دیگر می‌توان گفت این دو در تعاریف، تعارض جدی با هم دارند و حتی در تعریف کلمه حق با یکدیگر یکسان نیستند. حقوق بشر اسلامی حق را کلمه‌ای اسلامی و الهی می‌داند و ترجمه انگلیسی برای این کلمه موجود نیست. در حقیقت حق در تعریف اسلام داشته‌هایی است که خداوند برای انسان در نظر گرفته است. در این تعریف نقطه پرگار بر روی خداوند گذاشته و دایره‌ای کشیده می‌شود و همه چیز در دایره خداوند تعریف می‌گردد؛ یعنی انسان هم در دایره خداوند تعریف می‌شود؛ اما در تعریف غربی و حقوق بشر غربی، نقطه پرگار بر روی انسان گذاشته و دایره‌ای کشیده می‌شود و خداوند نیز در دایره انسان تعریف می‌شود. خوب مشخص است که وقتی خداوند در دایره انسان تعریف شود، عملاً دیگر احکام اسلامی محلی از اعراب ندارند و داشته‌ای شخصی قلمداد می‌شوند؛ یعنی شخص می‌تواند هم دین خودش را داشته باشد و هم می‌تواند بی‌دین یا حتی همجنس‌گرا باشد؛ اما وقتی نقطه پرگار بر دایره خداوند گذاشته می‌شود، تنها هر چه را که خداوند برای انسان حق دانسته، حق می‌داند، نه غیر از آن را. به نظر می‌رسد اگر حقوق بشر اسلامی مشکل تعاریف خود را با اعلامیه جهانی حقوق بشر حل کند، بسیاری از تعارضات حل خواهند شد. در ادامه علاوه بر توضیح تخصصی در تعاریف حقوق بشر، پارادایم‌های سازه‌نگاری، رئالیسم، ایدئالیسم و فمینیسم بررسی خواهند شد.

۲. حقوق بشر اسلامی

حقوق‌دانان از گذشته تاکنون بر این مسئله اتفاق نظر داشته‌اند که همواره بشر صرف‌نظر از وجود دین و مذهب، نژاد و تفکر از حقوق و تکالیفی برخوردار بوده است که دسته‌بندی این اصول به

ایجاد شاخه‌ای از حقوق با عنوان حقوق بشر انجامیده است. بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر، هر انسانی به صرف بشر بودن دارای یک سلسله حقوق مطلق است که نمی‌توان آنها را سلب کرد. تمام مقررات و قوانین در راستای هر دو بُعد انسان هستند و هر دو نیاز روحی و مادی او را پاسخ می‌دهند. اسلام، عامل اجرای حقوق را نه فقط در قانون، بلکه در شخصیت کمال طلب خود انسان می‌داند. انسان می‌تواند حتی فاقد کرامت ذاتی شود، چنان‌که در اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی نیز چنین آمده است.

اگرچه لفظ بشر مشترک است، ولی این لفظ بدون حاکمیت فلسفه‌های متعدد، وجود خارجی ندارد. انسان‌محوری در مقابل الله‌محوری یکی دیگر از تفاوت‌های دو دیدگاه است. حقوق در دیدگاه اسلام با توجه به مبانی، انگیزه‌ها و منابع، از ضمانت اجرای قوی‌تری برخوردار است و دوام و تناسب آن با هویت و حقیقت انسانی، آن را برهانی ساخته و از حالت تجربی صرف نیز بیرون آورده است.

۳. حقوق بشر از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

چه بخواهیم و چه نخواهیم، جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام و برداشت ایشان از اسلام برپا شده است و برای شناخت حقوق بشر از منظر جمهوری اسلامی ایران، باید اندیشه‌های بنیان‌گذار معمار انقلاب اسلامی را در این باره به‌خوبی دریافت.

البته این جمله ممکن است منتقدان جدی داشته باشد، ولی وقتی منصفانه به قوانین و مبنای آن می‌نگریم به این حقیقت پی می‌بریم. شناخت مبنای حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران با شناخت حقوق بشر مدنظر امام خمینی علیه السلام ارتباط جدی دارد.

در واقع امام خمینی علیه السلام معتقد است که حکومت و دستگاهی می‌تواند ادعای حمایت، حفاظت و حضانت از حقوق بشر را داشته باشد که خود را در پیشگاه خداوند سبحان، مسئول و پاسخ‌گو بداند و به همین دلیل است که ایشان ابداً تعاریف حقوق بشر انسانی را مشروع و قانونی نمی‌داند؛ حتی اگر مطابق برخی از نظرات الهی باشد؛ زیرا اصل و اساس آن در ابتدای تدوین غیرالهی و ناپاک بوده است؛ حتی اگر هدف چنین تفکری در ظاهر سالم و درست باشد (شادمانی، ۱۳۹۴، ص ۱۲).

از همین روست که در بسیار از موارد، سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران با نهادها و سازمان‌های حقوق بشری یک‌سان و حتی همسو نیستند. البته در ادامه خواهیم گفت که به‌سادگی

می‌توان این تنش‌ها را به کمترین حد رساند.

۱-۳. مفهوم کرامت انسانی در اندیشه امام خمینی علیه السلام

در دین اسلام، دو نوع کرامت برای انسان وجود دارد:

۱. کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی همه انسان‌ها مادامی که با خیانت یا جنایت، این صفت را از خود سلب نکنند. در اسلام، بین اقشار ملت‌ها هیچ تفاوتی نیست و حقوق هم ملت‌ها مراعات شده است. اسلام برای همه افراد بشر، حق بشری قائل است و تمام عالم را به نظر محبت می‌نگرد (همان): ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ﴾ (اسراء: ۷۰)؛ ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را به مرکب بر و بحر سوار کردیم. به نظر امام خمینی علیه السلام برابری انسان‌ها با اصل توحید فهمیده می‌شود. ایشان در این باره می‌فرماید:

از همین اصل اعتقادی توحید، ما الهام می‌گیریم که همه انسان‌ها در پیشگاه خداوند یک‌سان‌اند. او خالق همه است و همه مخلوق و بنده او هستند. اصل برابری انسان‌ها و اینکه تنها امتیاز فردی نسبت به فرد دیگر بر معیار و قاعده تقوا و پاک از انحراف و خطاست:

۲. کرامت ارزشی که از به کار انداختن استعدادها و کسب کمالات به دست می‌آید و اکتسابی است: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (حجرات: ۱۷)؛ بهترین شما نزد خدا، باتقواترین شماست. بنا بر کرامت ارزشی، انسان‌های باتقوا فضیلت بیشتری دارند؛ زیرا خوبی‌های فراوانی کسب می‌کنند. از نظر امام خمینی، آزادی عبارت است از حق انتخاب و یا اختیاری که انسان‌ها در رابطه با نوع زندگی، منش و عقیده خود دارند و محدوده آن را قانون اساسی که بر اساس قوانین اسلام تدوین شده است، مشخص می‌کند:

آزادی در حد قانون است. اسلام از فساد و از فسادها جلوگیری می‌کند. همه آزادی‌ها را که مادون فساد باشد، جلویش را گرفته است. ما تا زنده هستیم، نمی‌گذاریم این آزادی‌هایی که آنها می‌خواهند تا آن اندازه‌ای که می‌توانیم، این آزادی‌ها تحقق یابد (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ص ۱۵۸). در منظومه فکری حضرت امام خمینی علیه السلام اقلیت‌ها در نظام جمهوری اسلامی همانند دیگر افراد از حقوق و احترام کامل برخوردارند؛ آنان با سایر شهروندان ایرانی در همه چیز مشترک‌اند و حقوقشان به حسب قوانین داده می‌شود و در حکومت اسلامی در رفاه و آسایش و آزادی هستند (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ص ۲۳). امام علیه السلام در پاسخ این پرسش که آیا در جمهوری اسلامی

اقلیت‌های مذهبی جایگاهی دارند یا خیر، ضمن بیان اینکه رژیم شاه با اقلیت‌ها رفتاری بهتر از رفتار با مسلمانان نداشته است، می‌گویند:

ما طبیعتاً نسبت به عقاید مذهبی دیگران بیشترین احترام را پس از سرنگونی دیکتاتوری و استقرار یک رژیم آزاد می‌گذاریم. شرایط حیات برای اکثریت مسلمانان و اقلیت‌های مذهبی بسیار خوب خواهد شد (همان، ص ۳).

لزوم پاسداشت حریم خصوصی دیگران از اموری است که عقل بر رعایت آن تأکید می‌کند. در قرآن تجسس در امور دیگران با تأکید تمام منع شده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا﴾ (حجرات: ۱۲)؛ ای ایمان‌آوردگان، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که بعضی از گمان‌ها گناه است و تجسس نکنید.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «ایاکم والظنَّ فان الظنَّ اکذب الحدیث ولا تجسسوا ولا تباغضوا وكونوا اخواناً»، از ظن و گمان پرهیز کن زیرا «ظن» دروغترین سخن است. به دنبال عیب جویی و جاسوسی یکدیگر نباشید و بر سر بیع معامله‌ی یکدیگر مکر و حيله ننمائید. نسبت به یکدیگر حسد نبرید و با یکدیگر بغض و کینه نداشته باشید به یکدیگر پشت نکنید، بندگان خدا و برادران دینی یکدیگر باشید (شادمانی، ۱۳۹۴، ص ۱۹).

امام خمینی علیه السلام بر ضرورت پاسداشت حریم خصوصی مردم تأکید می‌ورزید: نباید با مردم طوری کرد که در خانه‌هایشان، در زندگی‌شان، در تجارتشان در کسبشان مطمئن نباشند. دولت اسلامی باید مردم را مطمئن کند در همه چیز؛ در سرمایه‌هایشان، در کسبشان، در کارخانه‌هایشان، مردم در آرامش باشند و دولت نمی‌تواند تأذی بکند (همان، ص ۱۹).

مهم‌ترین موضع‌گیری امام خمینی علیه السلام درباره لزوم حفظ حریم خصوصی، فرمان مشهور هشت‌ماده‌ای ایشان است که در سال ۱۳۶۱ خطاب به مسئولان اجرایی و قضایی کشور صادر شد. اینکه امام خمینی علیه السلام چنین موضوعی را، نه در قالب سخنرانی، بلکه در قالب فرمان لازم‌الاجرا صادر کرد، نشان‌دهنده اهتمام بسیار ایشان به لزوم رعایت حریم خصوصی است (همان، ص ۱۸). در ادامه بخش‌هایی از این فرمان ایشان را مرور می‌کنیم:

۴. هیچ‌کس حق ندارد که بدون حکم قاضی کسی را توقیف یا احضار نماید، هرچند مدت توقیف کم باشد. توقیف یا احضار به عنف جرم است و موجب تعزیر شرعی است (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ص ۱۳۹-۱۴۳)؛

۶. هیچ‌کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار کسی بدون اذن آنها وارد شود یا کسی

را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیرانسانی اسلامی مرتکب یا به تلفن یا نوار ضبط صوتی دیگری به نام کشف جرم یا کشف گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده فاش کند. تمام اینها جرم و گناه است و مرتکب هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می باشد (همان).

این اعلامیه توسط کمیسیون حقوق بشر تهیه و تسلیم مجمع عمومی شد و در اجلاس مورخ ۱۳۴۳ که در پاریس تشکیل و به تصویب رسید و مشتمل بر یک مقدمه و ۳۳ ماده است. متأسفانه اعلامیه حقوق بشر علیرغم اهمیت تاریخی و سیاسی از اعتبار حقوقی برخوردار نیست؛ زیرا نه تضمیناتی به نفع فرد در بر دارد و نه ضمانت اجرایی علیه کشورها و نتیجه اینکه اعلامیه، مانند سایر اعلامیه‌های اصولی مجمع عمومی فاقد ارزش حقوقی است (شادمانی، ۱۳۹۴، ص ۲۰).

به طور کل اعلامیه جهانی حقوق بشر در نظر امام خمینی علیه السلام به گفته خودشان، یعنی:

ما همه بدبختی‌های که داشتیم و داریم و بعد هم داریم از این سران کشورهایایی است که این اعلامیه حقوق بشر را امضا کرده‌اند. اعلامیه حقوق بشر را امضا کرده‌اند که سلب آزادی بشر را در همه دوره‌های که کفیل بودند و دستشان به یک چیزی رسیده است کرده‌اند. سرلوحه اعلامیه آزادی حقوق بشر سرلوحه اش آزادی افراد است. هر فردی از افراد بشر آزاد است، باید آزاد باشد. همه باید در مقابل قانون علی السواء باشند. همه باید آزاد باشند در محلشان؛ در سکنا آزاد باشند، در شغلشان، در مشی‌شان آزاد باشند. این اعلامیه حقوق بشر است که سرلوحه اش این مطلب است. از اول مسلمین بلکه همه بشر، از اول گرفتار اینهایی بوده‌اند که امضا کردند و تصویب کردند این اعلامیه حقوق بشر را. امریکا یکی از آنهاست که تصویب کردند این را و امضا کردند این مطلب را که حقوق بشر باید محفوظ بماند و یک از حقوق بشر آزادی است. همین امریکایی که اعلامیه حقوق بشر را به اصطلاح امضا کرده است، شما ببینید چه جنایات بر این بشر واقع کرده است.

در همین چند سال که ماها یادمان است و یک قدر زیادتش را من و یک قدر کمترش را به حَسَب جوانی‌ای که دارید شما مشاهده کردید، چه گرفتاری‌هایی از برای بشر هست به دست امریکا که یکی از اشخاص است که یکی از دولت‌های است که قضیه حقوق بشر را امضا کرده‌اند.

در هر مرکزی از مراکز مسلمین و غیرمسلمین یک مأمور نصب کرده‌اند که سلب آزادی از همه آن اشخاص که در آن محیط هستند کرده‌اند. می‌گویند آزادند بشر! برای تخدیر توده‌ها، که حالا دیگر نمی‌شود تخدیرش کرد. قضیه این چیزهای که می‌گذرانند، که یکی‌اش هم همین اعلامیه حقوق بشر است، این برای اغفال است نه اینکه یک واقعیت دارد. یک چیز خیلی خوش‌نمای با رُزق و برق را می‌نویسند، سی ماده می‌نویسند که همه‌اش موادی است که به نفع بشر است و یکی‌اش را عمل نمی‌کنند! در مقام عمل، عمل نمی‌شود. این افیون است این برای توده‌ها، برای مردم (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ص ۳۳).

۴. مبانی حقوق در اسلام

ریشه همه احکام تشریحی در اسلام، اعم از حقوقی و غیرحقوقی در فطرت انسان به صورت بالقوه موجود است و همه انسان‌ها در این فطرت و سرشت اولیه یکسان‌اند: (یا ایها الناس اتقوا ربکم اللّٰذی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ)؛ (آیه ۱ سوره نساء)، «ای مردم! از پروردگارتان بپرهیزید، که شما را از یک نفس واحد به وجود آورد». بنابراین می‌بینیم که همه افراد بشر صرف نظر از دین، آیین، نژاد و مذهب خود در مبانی فطری با یکدیگر مشترک‌اند و مبنا عبارت است از آنچه رعایتش ضروری و لازم باشد و انجام ندادنش حرمت داشته باشد و این چیزی جدا از هدف حقوق است. در حقیقت، هدف حقوق، کمک به اجرای مبانی حقوق است (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۹، ۲۶۴).

اما از دیدگاه اسلام، هدف نهایی رسیدن به قرب الهی و دریای بیکران رحمت است و در این نظام، طبیعت افراد به عنوان مبنای نزدیک و تأمین عدالت و رفاه اجتماعی به عنوان مبنای دور مطرح است. می‌توان گفت که در مکتب اسلام، یک هدف عالی وجود دارد که دارای ارزش ذاتی است و آن رسیدن به قله کمال انسانی است و بقیه اهداف، ارزش وسیله‌ای دارند و مقدمه یا مبنا برای رسیدن به هدف عالی هستند (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۹، ۲۶۴).

۵. حقوق بشر از دیدگاه اسلام

حقوق بشر اومانستی غرب بر مبانی نظری خاصی مبتنی است که در دوران مدرن تأسیس شده است. از میان این مبانی می‌توان به خردباوری علمی، فردگرایی، حقوق طبیعی و تکیه بر قرارداد اجتماعی اشاره کرد. در سنت اسلامی، حق بر اساس منابع و متون دینی تعریف می‌شود و بر همین اساس از مفهوم غربی آن (right) ممتاز می‌گردد (میرموسوی و حقیقت، ۱۳۹۱).

بر اساس دیدگاه اسلام، انسان بر حسب فطرت الهی، خدامحور است. از این رو دارای حقوق فطری است و این حقوق فطری، وی را مقید و محدود ساخته است. از سوی دیگر، عقل انسانی و ابزار خرد وی به گونه‌ای نیست که در تشخیص ابعاد مختلف روحی وی خودکفا باشد. انسان نیازمند هدایت الهی بوده، اسلام بهترین یاور وی در تشخیص حقوق خویش است. تکلیف‌گرایی در سنت اسلامی، از لحاظ فردیت انسانی مانع او نیست. در چارچوب بینش اسلامی است که حیثیت ذاتی انسان مفهوم واقعی خود را پیدا می‌کند، انسان با کمک نیروی اندیشه خود می‌تواند حقوق بنیادی را از مجموع گزاره‌های دینی به دست آورد. بر این اساس می‌توان فهمید که خاستگاه حقوق انسان همان فطرت، نیازها و استعدادها فطری اوست (میرموسوی و حقیقت، ۱۳۹۱).

حقوق بشر ۳۶ بار به صورت‌های البشر، بشرا و بشرین در قرآن ذکر شده است که در همه این موارد جسم و هیئت مادی و ظاهری انسان کانون توجه است (قریشی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴). بی‌تردید از دیدگاه اسلام انسان موجودی ارزشمند است که باید به عنوان یک موجود باشعور، به دید احترام به او نگریست. آزادی بشر و احترام به حقوق و حیثیت ذاتی انسان و دخالت ندادن عوامل عارضی در اعتبار و امتیاز برای انسان‌ها، دقیقاً مورد توجه اسلام است (همان، ص ۱۱). قرآن کریم، خداوند را به لحاظ آفریدن انسان، احسن الخالقین (مؤمنون: ۱۴) می‌نامد. خداوند سبحان هنگام خلقت انسان، از فرشتگان به عنوان خلیفه و جانشین خود یاد می‌کند (بقره: ۳۰) و آنها را به سجده در برابر انسان امر می‌نماید (بقره: ۳۴) و به کرامت و بزرگداشت او تصریح می‌فرماید (اسراء: ۷۰).

آزادی بشر و احترام به حقوق و حیثیت ذاتی انسان دقیقاً مورد توجه اسلام است و اساساً فلسفه بعثت پیامبران و به‌ویژه پیامبر اسلام ﷺ آزاد کردن انسان از این‌گونه قید و بندها و توجه دادن او به حیثیت ذاتی و شرافت انسانی خویش است. بدین‌گونه آنها را امر به هر نیکویی و نهی از هر زشتی خواهد کرد و بر آنان هر طعام پاکیزه و مطبوع را حلال، و هر پلید منفسور را حرام می‌گرداند (اعراف: ۱۵۷). همچنین خداوند فرعون را که ادعای خدایی بر مردم داشت و مردم را به دو دسته ممتاز و غیرممتاز تقسیم می‌کرد و عده‌ای را از لحاظ طبقاتی بالاتر و عده‌ای دیگر را پایین‌تر قرار داده و محروم و ضعیف نموده بود، سرزنش می‌کند و از او به عنوان طغیانگر نام می‌برد و اراده خود را به از بین بردن این شیوه و حکومت و روی کار آمدن مستضعفان بیان می‌دارد (قصص: ۴-۵). قرآن در اصل همه انسان‌ها را در گوهر انسانیت، فضیلت، ارزش و حیثیت ذات انسانی، یکی می‌داند و رنگ، نژاد، قومیت و ملیت را وسیله تشخیص، به شمار می‌آورد نه اسباب امتیاز و برتری (حجرات: ۱۳).

شاید همین امر سبب شده است تا برخی نویسندگان غربی در صدد القای نوعی تفاوت میان حقوق بشر بین‌المللی با سنت‌های اسلامی باشند و معتقد شوند که حقوق اسلامی صرفاً در موارد معدودی به حقوق بشر بین‌المللی توجه کرده است (مایر، ۲۰۰۷، ص ۴۹). برای مثال در کتاب اسلام و حقوق بشر، نوشته الیزابت مایر، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این دلیل که اسلام را مبنای خود معرفی کرده و حقوق بشر را در چهارچوب اسلام به رسمیت شناخته و تنظیم کرده است، مورد انتقاد قرار گرفته و به موارد متناقض با حقوق بشر در قانون اساسی ایران اشاره شده است.

اسلام بیش و پیش از غرب، حقوق بشر را به رسمیت شناخت؛ با این تفاوت که در اسلام، حقوق بشر مقدمه‌ای است برای هدف عالی‌تری به نام تکامل فرد و جامعه در مسیر تقرب الی الله و در غرب حقوق بشر، هدفی است مستقل که فراتر از حقوق بشر متصور شده است. بعضی صاحب‌نظران نسبتاً منصف غربی نیز به موضوع توجه اسلام به بحث حقوق بشر اعتراف کرده‌اند و در ستایش نگاه اسلام به حقوق بشر، درباره رابطه اسلام و حقوق بشر نوشته‌اند:

اصول اسلام در رابطه با کرامات انسانی و همبستگی اجتماعی، منبعی غنی برای مواجهه با بحث‌های امروزی حقوق بشر است. توجه اسلام به کرامات انسانی سابقه‌ای دیرینه دارد و آن چنان پویا و زنده است که می‌تواند با چالش‌های امروز حقوق مواجهه نماید (ممتاز، ۱۳۸۸، ص ۵۹).

اسلام برای آزادی، هویت و عامل انسانی قائل است؛ به این معنا که استعدادها و تمایلات عالی انسان را منشأ آزادی انسان می‌شمارد و آزادی را براساس آن چیزی می‌داند که تکامل انسانی او ایجاد می‌کند.

آزادی در این نگاه، حقی انسانی و ناشی از استعدادهای انسانی است. رهایی این استعدادها و تمایلات عالی از هر نوع، مانع و مزاحم و هموار بودن راه تکامل آن، مفهوم صحیح آزادی در اسلام است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰).

جهان غرب نیز مجبور به پذیرش برخی محدودیت‌ها در برابر حقوق بشر شده است؛ با این تفاوت که محدودیت‌های پذیرفته‌شده در جهان غرب فقط مبتنی بر رعایت حقوق مادی دیگران است و محدودیت‌های پذیرفته‌شده در اسلام مبتنی بر رعایت حقوق مادی و معنوی دیگران و رشد و تکامل فرد در جامعه و سامان‌بخشی رابطه مخلوق و خالق است.

برای مثال از حقوق بشر مصطلح در غرب، در بند دوم ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، حقوق پیش‌بینی شده در همین اعلامیه، تابع محدودیت‌هایی قانونی همانند مقتضیات اخلاقی، نظم عمومی و رفاه همگانی شده است. همچنین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز چنین محدودیت‌هایی را پذیرفته است.

در این قسمت نیز به عنوان نتیجه کار، جدولی از تطابق حق‌های مطرح شده در قانون اساسی ایران و اسناد جهانی حقوق بشر ارائه می‌گردد:

تطبیق حق‌های مطرح شده در قانون اساسی ایران و اسناد جهانی حقوق بشر

مفاهیم کلی	مؤلفه‌ها حق‌ها	مفاد اسناد حقوق بشر	اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
آزادی Liberty	آزادی عقیده	ماده ۱۸ اعلامیه* ماده ۱۸ ح.م.س.**	اصول ۲۴، ۲۳ و ۲۶
	آزادی اطلاعات و مطبوعات	ماده ۱۹ اعلامیه ماده ۱۹ ح.م.س	بند ۲ اصل ۳ اصل ۲۴
	آزادی تشکل	مواد ۲۰ و ۲۳ اعلامیه ماده ۲۲ ح.م.س.*** ماده ۸.۱.۱.ف	اصل ۲۶
امنیت (عمومی) Assurance	آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها	ماده ۲۰ اعلامیه ماده ۲۱ ح.م.س	اصل ۲۷
	امنیت حیثیت و آبرو	ماده ۳ اعلامیه ماده ۶ بند ۱ ح.م.س	اصل ۲۲
	امنیت مال	ماده ۱۷ اعلامیه	اصول ۴۶، ۴۷ و ۲۲
	امنیت شغلی	ماده ۲۳ اعلامیه ماده ۱.۱.۶.ف	اصول ۲۲ و ۴۶
	امنیت مسکن	ماده ۱۲ اعلامیه ماده ۱۸ ح.م.س	اصل ۲۲

اصل ۲۵	ماده ۱۲ اعلامیه ماده ۱۷ ح.م.س	امنیت خلوت	
اصل ۳۳	بند ۲ ماده ۱۳ اعلامیه ماده ۱۲ ح.م.س	امنیت اقامت	
اصل ۳۷	بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه بند ۲ ماده ۱۴ ح.م.س	اصل برائت	
اصل ۳۲	ماده ۹ اعلامیه ماده ۹ ح.م.س	اصل تعقیب قانونی	
اصل ۳۵	بند ۳ ماده ۱۴ ح.م.س	حق دفاع (و انتخاب وکیل)	امنیت قضایی
اصل ۱۶۵	بند ۱ ماده ۱۴ ح.م.س	علنی بودن محاکمه	
اصل ۳۶ اصل ۱۶۹	بند ۲ ماده ۱۱ اعلامیه بند ۱ ماده ۱۵ ح.م.س	قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها	
اصل ۳۸ اصل ۳۹	ماده ۵ اعلامیه مواد ۸، ۷ و ۱۴ ح.م.س	امنیت متهمان و محکومان در مقابل شکنجه، تعرض و اعدامات موهن	
مقدمه، بند ۸ اصل ۳ و اصول ۱، ۶، ۵۶، ۵۹، ۶۲، ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۰ و ۱۱۴ و ۱۷۷	ماده ۲۱ اعلامیه بند ۲ منشور ماده ۲۵ ح.م.س	حق تعیین سرنوشت	
اصل ۲۸ اصل ۴۳	ماده ۲۳ اعلامیه ماده ۸ ح.م.س	حق کار و منع کار اجباری	حقوق سیاسی، اقتصادی و فرهنگی
بند ۲ اصل ۳ اصل ۲۹	ماده ۲۳ اعلامیه	حمایت از بیکاران	
اصل ۲۹	ماده ۲۲ اعلامیه ماده ۹ ا.ا.ف	حق برخورداری از تأمین اجتماعی	
مقدمه قانون اساسی اصل ۱۰	ماده ۱۶ اعلامیه ماده ۲۵ ح.م.س ماده ۱۰ ا.ا.ف	حمایت از خانواده	
بند ۳ اصل ۳ اصل ۳۰	ماده ۲۶ اعلامیه ماده ۱۳ ح.م.س	حق آموزش	

مقدمه قانون اساسی بند ۱۴ اصل ۳ اصل ۲۰	ماده ۲۷ اعلامیه ماده ۱۵ ح.م.س	مالکیت فکری	
مقدمه قانون اساسی بند ۱۴ اصل ۳ اصل ۲۰	ماده ۱ منشور ماده ۱ اعلامیه ماده ۲ و ۳ ا.ا.ف ماده ۳ ح.م.س	حقوق زنان	
بندهای ۱۴، ۸، ۹، ۳ و ۱۵ اصل سوم اصول ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۹ و ۲۰	ماده ۲ اعلامیه ماده ۱.۲ ا.ا.ف	حقوق اقلیت‌ها	حقوق بشر در موارد خاص

* اعلامیه جهانی حقوق بشر

** اعلامیه حقوق مدنی و سیاسی

*** میثاق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

نتیجه‌گیری

با توجه به بحث‌های صورت گرفته و نظریات فیلسوفان اسلام، حقی بیشتر از آنچه خدا برای انسان مشخص کرده متصور نیست؛ در حالی که فیلسوفانی همچون کانت، روسو و لاک، مرزی برای حق بشر قائل نیستند. در اسلام انسان نیز در دایره خداوند تعریف می‌شود؛ ولی در غرب خداوند در دایره انسان تعریف می‌شود. کلمه حق کلمه‌ای قرآنی و اسلامی است. به معنای قوانین زندگی که خداوند برای انسان ترسیم کرده است. پس وقتی می‌گوییم حقوق بشر، یعنی دقیقاً گفتار فقها را تأیید می‌کنیم. با توجه به مبانی حقوق بشر در اسلام و منابع استخراج آن در مذهب تشیع یعنی قرآن، حدیث و فقه، اصول سی‌گانه اعلامیه جهانی حقوق بشر اختلاف چندانی با تعاریف حقوق بشر در اسلام ندارند. مثلاً بشر در انتخاب دین، مذهب و... آزاد است. در قرآن نیز آمده که در دین هیچ اجباری نیست. تا اینجا همه چیز خوب است؛ حال یک مسلمان می‌خواهد مسیحی شود؛ آیا این امکان وجود دارد؟ پرواضح است خیر. آیا این مسئله قابل حل نیست؟ در بسیاری از موارد، فقها با مشاوره‌های خوب و درست، نظر فقهی خود را نسبت به زمان خود تغییر داده‌اند. در اصل یکی از تفاوت‌های تشیع همین انعطاف‌پذیری نسبت به مقتضیات زمان است که به اجتهاد ولی فقیه بستگی دارد و تشیع را از تسنن جدا می‌کند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. امین، سیدحسن (۱۳۸۱). حقوق بشر: جهانشمولی یا نسبیّت دینی - فرهنگی، مجله علوم سیاسی. ۱۵ (۱۹): ۵۹-۶۳.
۳. آشوری، داریوش (۱۳۹۱). دانشنامه سیاسی. تهران: انتشارات مروارید. چاپ بیست و یکم.
۴. آقایی، سیدداوود (۱۳۸۲). کارنامه کمیسیون حقوق بشر درباره ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. ۶۰: ۳۶-۱۱.
۵. ذاکریان، مهدی (۱۳۸۱). حقوق بشر در هزاره جدید. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
۶. زونیس، ماروین (۱۳۷۰). شکست شاهانه، روانشناسی شخصیت شاهانه، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو.
۷. سولیوان، ویلیام و آنتونی پارسونز. (۱۳۷۲). خاطرات دو سفیر. ترجمه مهدی طلوعی. تهران: انتشارات علم.
۸. شادمانی، مهدیه (۱۳۹۴). تبیین اندیشه امام خمینی علیه السلام در باب حقوق بشر، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، ۹: ۶۱-۸۶.
۹. شریفیان، جمشید (۱۳۸۰). راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۱۰. شوکراس، ویلیام (۱۳۷۱). آخرین سفر شاه. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی. تهران: نشر البرز.
۱۱. غفوری محمود، و داوند، محمد (۱۳۹۵). ارزیابی وضعیت حقوق بشر در نظام نومحافظه کاری (ایالات متحده امریکا)، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ۴۶ (۲).
۱۲. قربان‌نیا، ناصر (۱۳۹۰). حقوق بشر و حقوق بشردوستانه. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ دوم.
۱۳. قربان‌نیا، ناصر (۱۳۹۲). حقوق طبیعی و حقوق بشر، حقوق بشر. ۱ (۱ و ۲).
۱۴. قریشی، سیدمهدی و همکاران. (۱۳۹۱). جایگاه حقوق بشر در اسلام، همایش ملی حقوق بین‌الملل در آئینه علوم روز.

۱۵. لدین، مایکل، و لوئیس، ویلیام (۱۳۶۳). کارتر و سقوط شاه. روایت دست اول. ترجمه ناصر ایرانی. تهران: امیرکبیر.
۱۶. ممتاز، جمشید (۱۳۸۸). انطباق تحریم های اقتصادی شورای امنیت با حقوق بشر و حقوق بین الملل بشر دوستانه، مطالعات حقوق خصوصی، ۳۹ (۲): ۴۰۷-۴۱۱.
۱۷. منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۸۹). سیر تحول حقوق بشر و بررسی تطبیقی آن با حقوق بشر در اسلام، تهران، انتشارات تابان، چاپ اول.
۱۸. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۸). صحیفه امام. ج ۱۸. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۹. موسوی فر، رضیه (۱۳۸۹). معمای ایران و امریکا. تهران: کتاب همگان.
۲۰. میرموسوی، سیدعلی، و حقیقت، سیدصادق (۱۳۹۱). مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ دهم.
۲۱. نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۱). علل پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط رژیم منحوس پهلوی. تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، علوم سیاسی، ج ۲.
22. Mayer, Ann Elizabeth. (2007). *The Islam and Human Rights Nexus: Shifting Dimensions*, Berkeley Electronic Press, Vol. 4, Iss. 1, Art. 4.

